

آزادی مردمگانه

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

شماره ۴۳۹۶

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

فرهنگ یگان

تیم تحریر: فرهنگ یگان

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

دومینوی توهم



سید جواد نقوی خبرنگار گروه ایده حکمرانی

برای شروع یک بحث شاید مهم ترین نکته نشان دادن ساده نبودن آن است اما در شرایط آشفته‌ای که اذهان به سر می‌برند و هر روز ذهن‌های ما با هزاران بحث همراه است، شاید خیلی سخت بتوانیم درباره یک بحث مهم تمرکز کنیم اما باهم لحظاتی که باعث تلنگر می‌شوند کم نیستند، شاید یکی از لحظاتی که باعث تلنگر به ما شده اما خیلی ساده از کنار آن عبور کرده‌ایم، مرجعیت حرف‌های به‌شدت دور از واقعی بود که از سال ۱۴۰۱ رخ کشور ما به‌سرعت تحت‌تاثیر اعتراض‌هایی که شکل گرفت، ایجاد شد، مثلاً گزاره‌های توهم گونه‌ای که معتقد بود چند هفته تا انقلاب!فاصله داریم یا فرار مسئولان از کشور را تحلیل می‌کرد و حتی پیوستن ارتش به مردم را با سرعت تحلیل می‌کرد، این‌ها به نوعی جنگ رسانه‌ای بود که به دست سازمان های امنیتی در غرب مطرح‌شده بود اما تحلیل و تفسیر که از بخشی از اهالی علوم انسانی کشور در حال نشر دادن بود، بسیار عجیب بود، به‌نوعی گفتارهایی که باید ما را به بهتر فهمیدن میدان دعوت و کمک کنند فهم ما از تحولات بالاتر برود، خودشان دچار فروپاشی شده بودند و بیشتر روکشی نظری برای شرح آنچه درحال وقوع بود را شکل داده بودند.

با گذشتت زمان آن حرف‌های به‌اصطلاح نظری هم مدام در حال نقض شدند بود؛ شرایطی فراهم شده بود که آشننگی میدان را در نظروزی هم مشاهده می‌کردیم، اگر بخواهیم به زبان ساده بگویم بسیاری از تحلیلگران سعی می‌کردند هر آنچه را در «عالم نظر» مطالعه کرده بودند به «میدان» پیوست کنند؛ از هانا آرنت تا بورديو تا ميشل فوکو و گلدنز و حتی در مواردی تطبیق‌های به‌شدت بی‌ربط با سایر کشورها که برگرفته از فهم حداقلی از میدان بود. این گفته‌ها با تطبیق‌های نظری همراه بود اما درحقیقت هیچ‌کدامشان صورت واقعی میدان نبود. بعد از مدتی وقتی اتفاقات تازه‌ای در میدان شکل می‌گرفت همه‌ان حرف‌های گذشته‌پرسرعت‌بی‌معنی می‌شد. پرسشی اینجا مطرح می‌شود؛ دومینوی توهم- که براساس ظاهراً نظریه بازی هم شکل گرفته- کی و کجا متوقف می‌شود؟ اکنون دو گونه پاسخ را می‌توان درنظر گرفت، پاسخ رایج همین ایده‌ای است که منتقدان در باب عصر جدید و قدرتمند کردن تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای می‌گویند. این امر حکومت‌ها و کنشگران را موظف می‌کند در عصری که بساحقیت در جریان است تلاش کنند مخاطب‌ها را از این بروهت نجات دهند و سعی کنند جامعه را با تفکر انتقادی آشنا کنند تا از این طریق هر آنچه درحال شکل‌گیری است فریه نشود. البته این پاسخ خودش معلوم نیست چه شرحی‌ای داشته باشد؛ چراکه باید صبر داشتست و در آینده قضاوت کرد که آیا توانایی دارد تا جامعه را از این مسیر دومی‌نوار نجات دهد یا خیر؟

اما پاسخ قوی‌تر و شاید مستحکم‌تر استفاده از تاریخ و دگریر شدن و جست‌وجو کردن در دل تاریخ است که آیا ممکن است بشود همه پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را در میدان با نظریه‌ای رایج توضیح داد و آنها را تحلیل کرد؟ تاریخ به ما می‌گوید همه پدیده‌های میدان و همه رخدادها چند

آزادی مردمگانه

فرهنگ یگان

تیم تحریر: فرهنگ یگان

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه



عاملیتی و پیچیده و سیپال و خاکستری‌اند و این چهار مورد دستگاهی را شکل می‌دهند که می‌شود در تحلیل‌های میدان مسئله را بهتر تحلیل کرد و

از این دومینوی توهم خارج شد. برای روشن‌تر شدن بحث نمونه‌ای تاریخی را در مسائل ایران به‌طور مثال وارد این دستگاهی که معرفی شد، می‌کنم تا نشان دهم چه میزان تحلیل کردن سخت است، به‌عنوان مثال اصلاحات ارضی در ایران طبق اصل ۴ ترومن کلید خورد. این اصلاحات قصد داشت بحران‌های ایران را کم کند و پشران توسعه کشور شود، درنتیجه مخالفان و موافقان خاص خودش را داشت، اما در زمینه شکست اصلاحات ارضی و یکی از عوامل وقوع انقلاب کمتر مخالف یا موافقی توان تحلیل داشته و فقط هنگامی که انقلاب رقم خورد، می‌شد یکی از عامل‌ها را شکست اصلاحات ارضی معرفی کرد. هیچ‌کس هنگام شروع یا درحال انجام طرح نمی‌توانست آن را باعث شکل‌گیری انقلاب معرفی کند.

چند عاملیتی: وقوع این تصمیم به عوامل مختلفی وابسته بود؛ از تحولاتی گرفته که در آمریکا شکل گرفته بود و ترومن قصد داشت دکترینی برای مقابله با کشورهای مارکسیستی آغاز کند تا وضعیت منطقه‌ای ایران و هم‌مرز بودن با شوروی و ترس از فعال شدن ایده‌های مارکسیستی یا توجه به تجربه حزب توده در ایران و نیز تلاش برای پایان دادن به بحث‌های فرودست و ثروتمند در داخل کشور- که سال‌ها در حال طرح شدن بود- همچنین خام‌اندیشی شاه برای آنکه باسرعت بالا مسیر توسعه را طی کند و احساس عقب‌ماندگی ایران نسبت به کشورهای همسایه نیز از دیگر عوامل مؤثر بود. همه این‌ها از عوامل شکل‌گیری اصلاحات ارضی بودند، پس می‌بینیم نمی‌توانیم تنها یک ایده را دال مرکزی اصلاحات ارضی بدانیم و سپس با

مواجههٔ پیچیده و کارت‌های بازی

ضدآمریکایی‌ای ایران افزایش یافته است که موضوعی کیفی به حساب می‌آید. این روند حکایت از آن دارد که با وجود تشدید تهدیدهای اقتصادی و داخلی فرصت‌هایی به طور هم‌زمان ایجاد شده‌اند که می‌تواند فضای بهره‌برداری آمریکا را محدود کند.

در سیاست خارجی بر خلاف اقتصاد و سیاست داخلی اوضاع نسبت به گذشته بهبود یافته است. ایران در دو سال‌زمان شانگهای و گروه بریکس عضو شده و هم‌زمان دارای توانفته‌نامه همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است. تهران روابط منطقه‌ای خود را هم بهبود بخشیده است که نمونه آن افزایش ارتباطات با عربستان سعودی است.

در بخش عناصر قدرت سخت، توان هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای هر سه تقویت شده‌اند. در هسته‌ای ایران میزان غنی‌سازی خود را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رسانده، زمان گریزش از ۶ ماه به چند روز کاهش یافته و ماشین‌های غنی‌سازی پیشرفته‌تری تولید می‌کند.

در موشکی بره، دقت و مسرعت تولید رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. ورود موشک‌های هایپرسونیک به زرادخانه ایران یک نمونه آن است. پهباد و پدافند هوایی دیگر بخش‌هایی هستند که توانمندی ایران در آن‌ها با دوره گذشته قابل مقایسه نیست. حتی گفته می‌شود پهبادهای انتحاری با ریشه‌های ایرانی توسط روسیه و یمن به طور گسترده استفاده می‌شوند. در زمینه پدافند هوایی، ساخت سیستم دوربرد باور-۳۷۳ شاخص مهمی است. تنها موضوعی که در آن شکسگ و تردیدهای بروز کرده، پرونده محور مقاومت است. غزه به میزان زیادی تخریب شده، مقاومت لبنان تضعیف شده و سوریه



یک نظریه خاص آن را توضیح دهیم. از جغرافیای سیاسی گرفته تا روابط بین‌الملل، مردم‌شناسی در ایران و دانش توسعه، همگی باید در چرایی حرکت به‌سوروی اصلاحات ارضی وارد بحث شوند تا گفت‌وگویی دقیق و منسجم شکل بگیرد.

پیچیدگی: وقتی عوامل متعددی در کارند، توان توضیح تک‌عاملی برای تصمیم‌ها و ورخداها بی‌معناست. باید بررسی کرد که هر عامل چه تاثیری بر عوامل دیگر گذاشته است، مثلاً آیا شاه واقعاً تصور می‌کرد «اصل چهار ترومن» همان ایده توسعه است یا صرفاً برای آنکه آمریکایی‌ها به او فشار نیاورند، این طرح را پیش برد؟ یا برعکس، شاید شاه از ترس اینکه ایران دوباره به دست ایده مبارزه طبقاتی، مانند سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ دچار نشود، سعی کرده بود به‌صورت شتاب‌زده دست به چنین طرحی بزند. هرکدام از این عوامل باید بادقت بررسی و مشخص شود چه وزنی داشته‌اند و در آن مقطع تاریخی، چه تصوراتی باعث شده‌اند چنین تصمیماتی گرفته شود، به‌طور مثال نباید فقط با تصویرهای کلی به پیچیدگی‌ها ووزن تصمیم‌ها نگاه کرد، حتی اتفاقات به‌ظاهر ساده‌ای که در دل تاریخ به‌سرعت از آن‌ها عبور می‌شود نیز دارای اهمیتند و باید در شبکه پیچیدگی‌ها لحاظ شوند. برای نمونه ارسنجانی، وزیر وقت کشاورزی در دوره اصلاحات ارضی، در خاطرات خود نقل می‌کند برای اجرای اصلاحات، نیاز به تدبیری برای بودجه‌ریزی بود. فردی که هم‌نظام بودجه‌را به‌خوبی می‌فهمید و هم‌بازیست ایرانی‌ها آشنا بود و می‌توانست در یک طرح بلندمدت به این اصلاحات کمک کند، ابرالرحمن ابنه‌اج بود. او در این حوزه دارای سواد و دانش بود، اما چون در آن مقطع از حاکمیت انتقاد کرده بود، برایش پاپوشی دوخته شد و به‌عنوان فردی فاسد معرفی و زندانی شد.

آزادی مردمگانه

فرهنگ یگان

تیم تحریر: فرهنگ یگان

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

فردی مانند علی امینی، نخست‌وزیر وقت و طراح اصلی اصلاحات ارضی، بارها به شاه گفته بود برای این اصلاحات به فردی مانند ابتهاج نیاز است، اما شاه این درخواست را نپذیرفت. ارسنجانی گفته بود همین موضوع باعث شد راهبرد دقیقی طراحی نشود و در دهه ۵۰، طرح به‌کلی قابل اجرا نباشد، همین یک مثال، از میان صدها مثال دیگر نشان می‌دهد شبکه‌ای پیچیده از عوامل در شکست طرح دخیل بوده‌اند که در آن زمان چندان مورد توجه قرار نگرفته بودند.

سیال بودن: سیاست در فضایی سیال شکل می‌گیرد و هیچ پدیده‌ای به‌سادگی قابل تحلیل نیست، مگر این‌که به سیال بودن فضا و شرایط توجه کنیم، به‌طور مثال در لحظه‌ای که اصلاحات ارضی شکل گرفت، شاه و تصمیم‌گیران نمی‌دانستند جامعه به چه سمتی هدایت خواهد شد.

آیا این سُشوک به جامعه، در فضایی پرسرعت آن مقطع جهانی که کشورها در حال حرکت به‌سوی توسعه‌یافتگی بودند و جنگ سرد نیز کم‌کم وارد مرحله‌ای جدید می‌شدد، می‌توانست ایران را با یک تصمیم‌گیری کلی به مسیر توسعه هدایت کند یا باید در چنین محیط سیالی، امکان بازیگری و هدایت مداوم طرح‌ها فراهم می‌بود؟

آنچه در تحلیل میدانی مشاهده نمی‌شود، این است که پهلوی بدون در نظر گرفتن سیال بودن اتمسفر تصمیم‌سازی، دست به اقداماتی ساده‌انگارانه زد که نه‌تنها باعث بهبود کیفیت حکمرانی نشد، بلکه در ادامه هم به کشاورزی کشور آسیب جدی وارد کرد و هم مسئله کم‌آبی در ایران را به یک ابربحران تبدیل کرد، چون سیالیت تغییرات را درک نکرده بودند.

خاکستری بودن: سیاست محل نزاع سیاه‌وسفید نیست. شبکه‌های درهم‌تنیده تاریخ مانع می‌شوند که تصمیمات را ساده‌سازی کنیم یا بتوان به‌آسانی درباره آن‌ها قضاوت کرد، مثلاً در مورد اصلاحات ارضی، اگر بخواهیم آن را صرفاً خوب یا بد معرفی کنیم، درواقع گرفتار همان دومینوی توهم شده‌ایم و نمی‌توانیم بهره‌رستی از تاریخ ببریم.

درحالی‌که تا توجه به مثال‌های پیشین روشن است ما در نقطه سیاه‌وسفید قرار نداریم. هر زمان و هر مکان می‌تواند محل شکل‌گیری رخدادی تازه باشد و نباید تلاش کرد هر تصمیم را در قالب دوگانه خوب/ بد تحلیل کرد، مثلاً علی امینی، نخست‌وزیر وقت معتقد بود اصلاحات ارضی باید طرحی بلندمدت و ۲۰ساله باشد اما شاه بر این باور بود که چنین فرصتی در اختیار ندارند و باید سریع به نقطه مطلوب رسید.

این رفت‌وبرگشت‌ها را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان خوب یا بد توصیف کرد، بلکه هرکدام بازتاب‌دهنده جهان‌بینی خاصی‌اند و همین تفاوت جهان‌بینی‌هاست که منطقه خاکستری تصمیم‌سازی را شکل می‌دهد. در این منطقه می‌توان منطق فراینده‌ها و برآیندها را دریافت و از آن برای وضعیت امروز بهره برد. به نظر می‌رسد تا حدودی با ذکر مثال‌هایی در چهارچوب گفته‌شده روشن شده باشد که مفسران و تحلیلگرانی که این روزها درحال نظریه‌پردازی و پیوند زدن می‌وقه‌اند، درکی از این دستگاه مفهومی ندارند و به همین دلیل تحلیل‌هایشان پس از مدتی وارونه می‌شود و گرفتار همان دومینوی توهمند، تحلیلی‌که در میدان واقعی کمکی به جامعه و کشور نخواهد کرد.

آزادی مردمگانه

فرهنگ یگان

تیم تحریر: فرهنگ یگان

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه

آزادی مردمگانه